

بررسی و تحلیل عقود معوض و غیر معوض، یک طرفه و دو طرفه

دکتر سید جعفر هاشمی^۱

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد

بهزاد ثابتی پور کرمانی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد

چکیده

تقسیم بندی عقد به یک تعهدی و دو تعهدی در قانون مدنی ایران بیان نشده و در ماده های ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ قانون مدنی فرانسه ذکر شده است عقد دو تعهدی عقدی است که در آن هریک از متعاقدين متقابلا در مقابل دیگری متعهد شود و عقد یک تعهدی عقدی است که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر متعهد شوند و همچنین بر مبنای مورد معامله می توان قراردادها را به معرض و غیر معوض یا مجانی تقسیم نمود که این تقسیم بندی نیز به صراحت در قانون مدنی وجود ندارد در عقد معوض آنچه مورد معامله قرار می گیرد دو مال یا دو عوض است که یکی در مقابل دیگری فرض می شود مانند بیع، عقد غیر معوض یا مجانی فقط یک مورد معامله وجود دارد مانند ودیعه. تقسیم بندی عقد به یکطرفه و دو طرفه از لحاظ نظری صحیح است اما فارغ از ناراسایی اصطلاحاتی تکیه بر این نوع تقسیم بندی در برابر عقد معوض و غیر معوض در حقوق ایران به نظر می رسد بی فایده و اضافی است زیرا دو تقسیم معوض و مجانی و یکطرفه و دوطرفه

^۱ نویسنده مسئول

بایکدیگر منطبق هستند و نمی توان عقدی را یافت که مجانی باشد ولی دوتعهد ایجاد کند یا معوض باشد و در آن دو تعهد یافت نشود.

واژگان کلیدی: عقد، یک طرفه و دوطرفه، معوض و غیر معوض، تعهد

مقدمه

در این مقاله به بررسی عقود معوض و غیر معوض، یک تعهدی و دو تعهدی در حقوق موضوعه ایران می پردازیم همانگونه که در علم حقوق عقود چه در فقه و چه در قانون مدنی به انواع مختلفی تقسیم می شوند که اقسام آن را در قانون مدنی می توان در مواد ۱۸۴-۱۸۹ مورد مطالعه قرار دارد. تقسیم بندی عقد به یک تعهدی و دو تعهدی در قانون مدنی ایران بیان نشده و در ماده های ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ قانون مدنی فرانسه ذکر شده است، به موجب ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی فرانسه عقد دو تعهدی عقدی است که در آن هریک از متعاقدين متقابلاً در مقابل دیگری متعهد شود مانند عقود بیع و اجاره و شرکت و بیمه ودلالی و حمل و نقل و حق العمل کاری. با استناد ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی فرانسه عقد یک تعهدی عقدی است که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر متعهد شوند بدون اینکه از ناحیه اشخاص اخیر الزامی متقابلاً بعمل آمده باشد نظیر عقود ضمان و هبه و کفالت که در آنها فقط ضامن و واهب و کفیل در مقابل مضمون له و متهد و مکفول له متعهد می شوند. قانون مدنی در تعریف عقد یا در اقسام عقود و معاملات نامی از عقد معوض یا غیر معوض نمی آورد تعریف ماده ۱۸۳ قانون مدنی بصورت نا خواسته به تعریف عقد غیر معوض نزدیک است که مقرر می دارد عقد عبارتست از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. ماده ۱۸۴ قانون مدنی نیز در مقام بیان اقسام عقود و معاملات فقط به ذکر عقود لازم، جایز، خیاری، منجز و معلق اکتفا می کند. قراردادهای را به اقسام دیگری نیز میتوان تقسیم نمود مثل عقود تملیکی و عهده و اذنی که بر اساس اثر اصلی عقد است همچنین بر مبنای مورد معامله می توان عقود را به معرض و غیر معوض تقسیم نمود.

باتوجه با آنچه بیان شده در ادامه به تفکیک به تعریف کلی این عقود، آثار و فایده تقسیم بندی این عقود در حقوق ایران خواهیم پرداخت.

بخش اول: عقد عوض و غیر معوض

همانگونه که بیان شد قانون مدنی در تعریف عقد یا در اقسام عقود و معاملات نامی از عقد معوض یا غیر معوض نمی آورد. تعریف ماده ۱۸۳ قانون مدنی بصورت ناخواسته به تعریف عقد غیر معوض نزدیک است: عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. ماده ۱۸۴ قانون مدنی نیز در مقام بیان اقسام عقود و معاملات فقط به ذکر عقود لازم، جایز، خیاری، منجز و معلق اکتفا می کند. قراردادهای را به اقسام دیگری نیز میتوان تقسیم نمود مثل عقود تملیکی و عهدی و اذنی که بر اساس اثر اصلی عقد است. همچنین بر مبنای مورد معامله می توان قراردادهای را به معرض و غیر معوض یا مجانی تقسیم نمود. در عقد معوض آنچه مورد معامله قرار می گیرد دو مال یا دو عوض است که یکی در مقابل دیگری فرض می شود نمونه بارز عقد معوض، بیع است که مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی تملیک عین به عوض معلوم تعریف شده است. قرارداد اجاره و بسیاری از قراردادهای با نام یا بی نام دیگر، معوض هستند. در عقود معوض عوضین مورد معامله نامیده می شوند و جزو ارکان اصلی عقد هستند. در تعریف عقد غیر معوض یا مجانی فقط یک مورد معامله وجود دارد و به قراردادی گفته می شود که به موجب آن یکی از طرفین مالی به دیگری می دهد بدون آنکه چیزی در مقابل دریافت کند. در این عقود که فقط یک مورد معامله وجود دارد، دادن مال به دیگری به منظورهای مختلف می تواند باشد. گاهی قصد طرفین تملیک است مثل هبه و گاهی هدف از عقد مجانی فقط اجازه استفاده از منافع مال به رایگان است مثل عاریه و همچنین ودیعه نیز عقدی مجانی است و فقط یک مورد معامله وجود دارد ولی به منظور تملیک یا اذن در انتفاع نیست بلکه مورد ودیعه فقط جهت نگهداری و حفاظت به دیگری سپرده می شود. به عبارتی در عقود غیر معوض مبادله ارزش ها صورت نمی گیرد و چیزی که یکی از متعاقدين به دیگری می دهد بلا عوض است. ضابطه تشخیص و تمیز عقد معوض از غیر معوض را باید در مورد معامله

دانسته با این توضیح که عقد معوض دارای دو مورد معامله است که هر یک عوض دیگری قرار می گیرد ولی در عقد غیر معوض فقط یک مورد معامله وجود دارد مانند هبه که به موجب آن کسی مال خود را مجاناً و بلا عوض به دیگری می بخشد. فقهای امامیه برخی از عقود مجانی یا غیر معوض را ذیل عنوان عطیه آورده اند مثل صدقه که در فقه آن را عقدی مجانی می دانند که برای صحت آن باید علاوه بر ایجاب و قبول و قبض با اذن موجب، قصد قربت نیز وجود داشته باشد. فقها در تعریف و بیان خصوصیات عقود مثل ودیعه یا عاریه، علاوه بر خصیصه امانت به جایز بودن این عقود اشاره دارند، چون از آنها حقی بوجود نمی آید و مالک یا طرف عقد هر وقت بخواهد می تواند عقد را فسخ کند، ولی در تعریف برخی فقها به عنصر مجانی بودن اشاره نمی شود و از دیگر قرائین مجانی بودن قابل برداشت است. برخی از حقوقدانان از جمله دکتر کاتوزیان نیز در تعریف عقد مجانی معتقدند علاوه بر عدم وجود عوض (عنصر مادی) باید قصد بخشش یا قصد تملیک مجانی وجود داشته باشد که تا بتوانیم به آن عقد غیر معوض یا مجانی اشاره کنیم.

بخش دوم: عقد یک تعهدی و دو تعهدی

همانگونه که بیان شد تقسیم بندی عقد به یک تعهدی و دو تعهدی در قانون مدنی ایران بیان نشده و در ماده های ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ قانون مدنی فرانسه ذکر شده است، به موجب ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی فرانسه عقد دو تعهدی عقدی است که در آن هریک از متعاقدين متقابلاً در مقابل دیگری متعهد شود مانند عقود بیع و اجاره و شرکت و بیمه و دلالی و حمل و نقل و حق العمل کاری. با استناد ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی فرانسه عقد یک تعهدی عقدی است که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر متعهد شوند بدون اینکه از ناحیه اشخاص اخبر الزامی متقابلاً بعمل آمده باشد نظیر عقود ضمان و هبه و كفالت که در آنها فقط ضامن و واهب و كفیل در مقابل مضمون له و متهب و مكفول له متعهد می شوند. در این تقسیم بندی لفظ یک تعهدی، ناظر به آثار حقوقی عقد بوده به چگونگی تشکیل آن ارتباطی ندارد، چه بنا به تعریف هر عقدی از دو طرف تشکیل می شود بنابراین نباید عقد یک تعهدی را با عمل حقوقی یکطرفه اشتباه کرد چه اولی محصول توافق دو اراده (دو طرف و لا اقل دو نفر) است

و حال آنکه دومی مانند اعراض و قبول و یا رد تر که از اراده منحصری (یکطرف مشتمل بر یک و با چند نفر که جمعا اراده منحصر و مشترکی را اعلام می دارند) ناشی می شود. در عقود معوض به طور معمول به تبع عقد تعهداتی هم برای طرفین بوجود می آید مثلا در عقد بیع که دو عوض وجود دارد و عقدی معوض است، دو تعهد هم به وجود می آورد که باید توسط متعاقدين اجرا شود؛ بنابراین عقد بیع عقدی دو تعهدی نامیده می شود، تعهد فروشنده تسلیم مبیع است و تعهد خریدار تادیه ثمن؛ اما در عقود غیر معوض یا مجانی در غالب موارد یک تعهد ایجاد می شود و عقدی یک تعهدی است. مورد معامله در قراردادها با تعهد ناشی از قراردادها متفاوت هستند. مورد معامله در اجاره، عین مستاجر و اجاره بها است و بر این اساس به اجاره عقد معوض می گویند. در همین قرارداد دو تعهد هم بوجود می آید: تعهد ماجر بر تسلیم عین مستاجر و تعهد مستاجر بر تادیه اجاره بها. اثر عقد را نیز باید از مورد معامله و تعهد ناشی از قرارداد جدا نمود اثر عقد امری اعتباری است که در حقوق برای هر قراردادی قایل می شوند. اثر عقد معوضی مثل بیع، تملیک عین معین است به عوض معلوم. با انعقاد بیع، مبیع که عین معین است بلا فاصله به ملکیت مشتری در می آید و بدون هیچ اقدام مادی یا بدون هیچ کاری مشتری مالک می شود و طرف مقابل هم ثمن را طلبکار می شود. به تبع این اثر، فروشنده متعهد است مبیع را تسلیم کند و خریدار نیز متعهد است ثمن را بپردازد، یعنی بیع عقدی دو تعهدی است. اگر چه در اینکه مورد معامله با تعهد ناشی از عقد متفاوت است، تردیدی نیست ولی در تمیز و تفکیک بین عقود معوض و غیر معوض با عقود دو تعهدی و یک تعهدی گاهی مشکل و اختلاف پیش می آید. در این خصوص برخی نویسندگان ضمن توضیح و تبیین این تفاوت، به این نکته اشاره دارند که فقط عقود معوض دو تعهدی نیستند بلکه گاهی عقدی که معوض محسوب نمی شود هم دو تعهدی است مثل عقد نکاح البته به نظر می رسد عقد نکاح را نباید در تقسیم بندی عقود معوض و غیر معوض قرار داد زیرا عقد غیر معوضی که در مقابل معوض قرار میدهند، دارای یک مورد معامله است مثل هبه و عاریه، ولی در نکاح اصلا مورد معامله وجود ندارد و بطور اساسی با قراردادهای مالی یا معاملات متفاوت است؛ اما در اینکه از عقد نکاح برای هر دو طرف تعهداتی بوجود می آید و عقدی دو تعهدی است تردیدی نیست. عقود غیر معوض یا مجانی

متنوع و متعدد هستند و دارای آثار حقوقی متفاوت برخی اثر تملیکی دارند و موجب انتقال مالکیت میشوند مثل هبه که در خصوص صحت و امکان وجود شرط عوض در آن، قانونگذار به صراحت در ماده ۸۰۱ قانون مدنی مقرر می دارد: هبه ممکن است معوض باشد و بنا بر این واهب می تواند شرط کند که متب مالی را به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً به جا آورد. با توجه به ماهیت عقد هبه و تصریح قانونگذار به موضوع امکان معوض بودن آن، در این مقاله مورد بررسی قرار نمی گیرد. برخی دیگر از عقود مجانی که اثر اصلی آنها اعطای اذن از طرف مالک به طرف مقابل است و اذن به منظور استفاده یا اذن در حفاظت و نگهداری می باشد زیرا در خصوص امکان معوض بودن آنها با امکان وجود شرط عوض در آنها تصریحی در قانون وجود ندارد. قانون مدنی در خصوص غیر معوض بودن آنها در مواد ۶۰۷ و ۶۳۵ به ترتیب در مورد ودیعه و عاریه تصریح دارد. در فقه امامیه که نویسندگان قانون مدنی به آن نظر داشته و از آن الهام می گرفتند گاهی از شدت وضوح به مجانی بودن این عقود تصریحی نداشتند و یا گاهی با قید تبرع و لزوم تبرعی بودن این عقود، مجانی بودن آنها را می رساندند. بعضی از مؤلفین برخی از عقود یکطرفه نظیر وکالت و ودیعه و عاریه و رهن را عقود دوطرفه ناقص میدانند، چه با اینکه در زمان تشکیل این عقود فقط یکطرف عقد (وکیل مستودع و مستعبر و مرتهن) متعهد میشود، لیکن بعید نیست که بعد از عقد برای طرف دیگر (یعنی موکل و یا مودع و یا معیر و یا راهن) نیز تعهد و یا تعهداتی بوجود آید، مانند موردی که وکیل در انجام امر وکالت و یا مستودع و یا مستعیر و یا مرتهن برای نگاهداری مال مخارجی کند و یا از این عمل خسارتی به او برسد که در اینصورت بموجب مواد ۶۷۵ و ۶۳۳ و ۶۴۶ (چنانچه برابر عرف و عادت این مخارج با معیر باشد) و ۷۸۰ (که بر طبق آن رهن در ید مرتهن امانت است و لذا ماده ۶۳۳ به این مورد تسری دارد) طرف غیر متعهد عقد (موکل و یا مودع و یا معیر و یا راهن) تعهد جبران این مخارج را خواهد داشت. عقد یکطرفه از بعضی جهات و یا من جمیع الجهات ممکن است به عقد دوطرفه ای مبدل شود و آن موردیست که طرفی که بر حسب طبیعت عقد یکطرفه نباید تعهد یا تعهداتی داشته باشد، در مقابل طرف دیگر به انجام تعهد یا تعهداتی ملزم شود، مانند عقد صلح در موردی که احد

طرفین در عوض مال الصلحی که می گیرد متعهد شود نفقه معینی را همدساله یا همه ماهه تا مدت معین تأدیه کند و یا هر گونه صلح معوض دیگری و هبه معوض.

بخش سوم: عقود یک تعهدی و دو یا چند تعهدی از منظر دکتر کاتوزیان

در حقوق فرانسه گذشته از تقسیم بندی عقود به عقد معوض و مجانی به اعتبار تعهد های ناشی از عقد به عقود یک تعهدی و عقود دو تعهدی تقسیم کردند در این تقسیم تقابل سود و زیان مد نظر نیست و به جای آن تقابل یا وحدت تعهد مبنا قرار می گیرد به این معنی که هرگاه دو عقد تنها یکی از دو طرف در برابر طرف دیگر مدیون شود آن را یک تعهدی اما در موردی که عقد تعهدی های متقابل برای دو طرف به وجود می آورد و تعهد هر طرف سبب تعهد دیگری قرار می گیرد آن را دو طرفه می نامند. این تقسیم بندی پاره از مولفان در حقوق ما نیز با عنوان های عقود دو تعهدی و یک تعهدی یا یک طرفه و دو طرفه آورده اند. این تقسیم بندی از لحاظ نظری صحیح است اما فارغ از ناراسایی اصطلاحاتی تکیه بر این نوع تقسیم بندی در برابر عقد معوض و غیر معوض بی فایده و اضافی است. زیرا دو تقسیم معوض و مجانی و یکطرفه و دوطرفه بایکدیگر منطبق هستند و نمی توان عقدی را یافت که مجانی باشد ولی دو تعهد ایجاد کند با معوض باشد و در آن دو تعهد یافت نشود. در حقوق فرانسه پذیرفته شده که هر عقد دو طرفی معوض نیز هست و تنها بعضی مولفان هبه ای که بران شرط عوض شده است از مصداق عقود مجانی و دو طرفی دانسته اند و همچنین اعتقاد دارند هر عقد معوضی دو طرفی نیست مانند عقد قرض البته عقد قرض در حقوق ما عقدی رضایی معوض و دو تعهدی می باشد و شرط دادن منفعت نیز اثری در ماهیت آن ندارد. لازم به ذکر است ودیعه و عاریه و نکاح بعضی از نویسندگان این عقود را در زمره عقود مجانی و دو تعهدی پنداشته اند اما باید دانست که تقسیم بین عقود معوض و مجانی یا عقود یک تعهدی یا دو تعهدی در مورد قراردادهای مالی بکار می رود و آثار نکاح را نباید در این تقسیم بندی آورد. دیعه و عاریه نیز از عقود اذنی هستند و هیچ تعهدی برای طرفین ایجاد نمی کند تا بتوان فرض تعهد متقابل را در آن پذیرفت راجع ضمان و کفالت نیز باید متذکر شد هر جا معوض باشد همراه با تعهد متقابل است و در هر مورد مجانی با شد یک تعهدی

است. بنابراین باتوجه به آنچه گفته شد تقسیم عقد به یکطرفه و دو طرفه باعث گمراهی می شود و در حقوق ایران فایده عملی نیز ندارد.

بخش چهارم: فایده تقسیم بندی

باید گفت عقد یک تعهدی و دو تعهدی که در عبارت معنایی دقیق تر در حقوق فرانسه یک طرفه و دو طرفه نامیده می شوند در عقود دوطرفه یک رابطه همبستگی منطقی بین تعهدات متقابلی که طرفین منعقد کرده اند وجود دارد، چه هریک از طرفین به ملاحظه و مناسبت انجام امری (موضوع عقد) که طرف دیگر به او وعده داده متعهد شده است در حقوق فرانسه این مطلب به این بیان توجیه شده که در معامله دو طرفه تعهد هر طرف علت تعهد طرف دیگر است بنابراین چنانچه یک طرف از انجام تعهد سر باز زند و یا به عللی تعهد او منتفی شود علت وجودی تعهد طرف مقابل نیز از بین می رود از این استدلال نتایج زیر حاصل می شود:

الف- چنانچه عوض و یا معوض (انجام امری که موضوع تعهد یکی از طرفین معامله است) در زمان وقوع عقد غیر ممکن بوده معامله باطل است، ماده ۳۶۱ قانون مدنی به عبارت اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته بیع باطل است، یکی از مصادیق این قاعده است، چه در این صورت بعلت عدم وجود مبیع نه انجام تعهد بایع یعنی تسلیم مبیع ونه تملک آن به وسیله مشتری ممکن خواهد بودر بند اول و بند سوم ماده ۳۶۲ قانون مدنی و لذا دلیلی ندارد که مشتری ثمن را تأدیه کند و چنانچه ثمن پرداخت شده باید باو مسترد گردد. دیگر از مصادیق قاعده فوق، قاعده ضمان در مبیع است (مواد ۳۹۰ الی ۳۹۲ ق م)، با توجه به مورد مذکور در ماده ۳۶۱ قانون مدنی و قاعده ضمان در ک و توسل به وحدت ملاک اولاً این دو مورد به موارد دیگری که انجام تعهد بایع غیر مقدور است و ثانیاً به کلیه معاملات (عقود دو طرفه غیر مجانی) تسری دارد و لذا قاعده فوق در حقوق ما نیز معتبر است.

ب- چنانچه انجام تعهد یکی از طرفین در حین عقد غیر ممکن نباشد، لیکن بعد از آن ممتنع شود در این صورت طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت. (مستنبط از ماده ۲۴۰

قانون مدنی با توسل به وحدت ملاک). در این مورد نمیتوان مدعی بطلان معامله شد چه در زمان وقوع معامله تعهدات طرفین غرممکن نبوده و بنا براین معامله صحیح واقع گردیده و چنین معامله ای را فقط با استفاده از حق فسخ میتوان بهم زد.

۳- در فرضی که عوض و معوض یعنی موضوع تعهدات متقابل طرفین قابل تجزیه است، اگر فقط انجام قسمتی از تعهدات یکی از طرفین در حین عقد یا بعد از عقد غیر ممکن شود و حالت زیر پیش خواهد آمد:

در حالت اول - معامله به دو معامله باطل و صحیح تجزیه میشود، بدین معنی که قسمت غیر ممکن تعهدات یکطرف و معادل آن از موضوع تعهدات طرف دیگر، معامله باطل و باقی مانده معامله صحیح را تشکیل میدهد و طرف مقابل مختار است که یا معامله صحیح را فسخ و یا آنرا قبول کند و جبران خسارت ناشی از فسخ و معامله باطل (قسمت غیرممکن تعهدات طرف) را مطالبه کند و یا معامله را به همان صورت که هست قبول کرده جبران خسارت ناشی از نقص تعهد طرف را بخواهد. ماده ۲۴۰ قانون مدنی این دو حالت را توأماً بیان و تأیید میکند چه بموجب آن اگر بعد از انجام معامله شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است کسی که شرط به نفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروط له باشد. ماده ۴۴۱ قانون مدنی یکی از مصادیق حالت اول قاعده فوق و حاکی از موردی است که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی از جهات باطل باشد در این صورت بیع به دو بیع صحیح و باطل تجزیه میشود و مشتری حق خواهد داشت که قسمت صحیح بیع را قبول کرده، نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده ثمن را استرداد (و به علاوه جبران خسارت ناشی از نقص مبیع را بخواهد) و یا قسمت صحیح بیع را فسخ کند و خسارت ناشی از فسخ بطلان را بخواهد.

۴- هریک از طرفین عقد در صورتی می تواند طرف مقابل را وادار به اجرای تعهد کند که تعهد خود را انجام داده یا آماده اجرای آن باشد مگر اینکه زمان اجرای تعهد او نرسیده که در اینصورت باوجود اینکه تعهد خود را اجرا نکرده خواهد توانست طرف مقابل را وادار به

اجرای تعهد کند. طرف مقابل نیز می تواند اجرای تعهد خود را موکول به اجرای تعهد او کند.

۵- در عقود دوطرفه چنانچه یکی از طرفین تعهدات خود را انجام ندهد، طرف مقابل حق فسخ یعنی حق اقامه دعوی فسخ عقد را خواهد داشت. ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی فرانسه این حق را تصریح می کند.

نتیجه گیری

در حقوق فرانسه گذشته از تقسیم بندی عقود به عقد معوض و مجانی به اعتبار تعهد های ناشی از عقد به عقود یک تعهدی و عقود دو تعهدی تقسیم کردند اما در حقوق ایران با تکیه بر نظر دکتر کاتوزیان این تقسیم بندی از لحاظ نظری صحیح است اما فارغ از ناراسایی اصطلاحاتی تکیه بر این نوع تقسیم بندی در برابر عقد معوض و غیر معوض بی فایده و اضافی است. زیرا دو تقسیم معوض و مجانی و یکطرفه و دوطرفه بایکدیگر منطبق هستند و نمی توان عقدی را یافت که مجانی باشد ولی دو تعهد ایجاد کند با معوض باشد و در آن دو تعهد یافت نشود. البته باید متذکر شد تقسیم بندی عقد به یک تعهدی و دو تعهدی در قانون مدنی ایران بیان نشده و در ماده های ۱۱۰۲ و ۱۱۰۳ قانون مدنی فرانسه ذکر شده است، به موجب ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی فرانسه عقد دو تعهدی عقدی است که در آن هریک از متعاقدين متقابلا در مقابل دیگری متعهد شود مانند عقود بیع و اجاره و شرکت و بیمه ودلالي و حمل و نقل و حق العمل کاری. با استناد ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی فرانسه عقد یک تعهدی عقدی است که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر متعهد شوند بدون اینکه از ناحیه اشخاص اخبر الزامی متقابلا بعمل آمده باشد نظیر عقود ضمان و هبه و كفالت که در آنها فقط ضامن و واهب و كفیل در مقابل مضمون له و متهب و مكفول له متعهد می شوند. قانون مدنی در تعریف عقد یا در اقسام عقود و معاملات نامی از عقد معوض یا غیر معوض نمی آورد تعریف ماده ۱۸۳ قانون مدنی بصورت نا خواسته به تعریف عقد غیر معوض نزدیک است که مقرر می دارد عقد عبارتست از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. ماده ۱۸۴ قانون مدنی نیز در مقام بیان اقسام عقود و معاملات

فقط به ذکر عقود لازم، جایز، خیار، منجز و معلق اکتفا می کند. قراردادها را به اقسام دیگری نیز میتوان تقسیم نمود مثل عقود تملیکی و عهده و اذنی که بر اساس اثر اصلی عقد است همچنین بر مبنای مورد معامله می توان قراردادها را به معرض و غیر معوض تقسیم نمود. در نهایت باید بیان کرد در عقود دو تعهدی تعهد در برابر تعهد قرار می گیرد و در عقود معوض، معوض به مفهوم کلی در مقابل هم قرار می گیرند.

منابع و مأخذ

- ۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۲، اسلامیة، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۲
- ۲- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر دادگستر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۰
- ۳- شعاریان، ابراهیم، حقوق تعهدات، موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- ۴- صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، انتشارات میزان، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۸۶
- ۵- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی ۳، تعهدات، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۷- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد ۱، شرکت انتشار، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۴
- ۸- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد ۳، نشر یلدا، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹
- ۹- کاتوزیان، ناصر، عقود معین، جلد ۴، شرکت انتشار: تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۱۰- انصاری، مرتضی بن محمد امین، مکاسب، جلد ۴، انتشارات دار العلم، قم، چاپ چهارم، ۱۳۹۲
- ۱۱- حایری شاه باغ، سید علی، شرح قانون مدنی، جلد ۲، گنج دانش، تهران، چاپ اول با ویرایش جدید، ۱۳۷۶.
- ۱۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق اموال، گنج دانش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
- ۱۳- جبعی العاملی، زین الدین، (شهید ثانی)، الروضه البهیة، جلد ۳، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۸۳
- ۱۴- نیکوند، شکراله، حقوق مدنی (۷)، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۲

مرکز آموزش علمی-کاربردی
سازمان همپاری شهرداری های
استان اصفهان



بنیاد علمی قانون یار برگزار می کند

با همکاری و حمایت معنوی
مرکز آموزش علمی-کاربردی سازمان همپاری شهرداری های استان اصفهان



همایش ملی

علمی- پژوهشی فقه و حقوق اسلامی



دکتر بهنام اسدی

مسئول برگزاری

ارکان کلیدی همایش

دبیر اجرایی همایش:
دکتر امین امیریان فارسانی
رئیس هیأت داوران:
دکتر سعید سامانی مجد
رئیس شورای سیاست گذاری:
دکتر سعید خردمندی

محورهای همایش:

پذیرش مقاله در تمامی زمینه های علوم تربیتی و روان شناسی (تمامی گرایش ها)، برنامه ریزی درسی
علوم مشاوره، فلسفه تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، آموزش الکترونیک، برنامه ریزی آموزش عالی
علوم اجتماعی، فرهنگ، هنر (تمام گرایش ها)، ارتباطات اسلامی و سایر موضوعات مرتبط با علوم انسانی

۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۸
اصفهان سالن اجلاس دانشگاه

پایگاه های نمایه کننده مقالات همایش

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect The Science

T
PBIN.com
Sponsored And Indexed

همایش های ایران
Symposia

CONF
PAPER

مکتب های علمی
Conferences.com

انجمن علمی حقوق
Council of Islamic Scientific Association
(CISA)



جهت چاپ مقالات خود در دیگر همایش های قانون یار
کافیست فایل word مقاله خود را به همراه
شماره تماس به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایید

phdsara@yahoo.com

ارسال مقاله در واتس آپ یا تلگرام به شماره

09100636002

همایش های علمی و پژوهشی، هر ساله در دو نوبت برگزار می شود

www.olomensani.IR

دبیرخانه همایش: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید، کوچه مینا، پلاک ۲۹، طبقه سوم
واحد مشاوره ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶ واحد صدور مدرک ۰۲۱۴۴۴۴۱۷۶۴

همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، موسسه قانون یار، مرکز علمی کاربردی سازمان همپاری شهرداری اصفهان، بهمن ۱۳۹۸